**عنوان : بررسی نوع تاثیر بحران مالی بر معیار های سود آوری بانک ها**

**مقدمه**

در اجرای سیاست های پولی هر کشوری بانک ها مهم ترین نقش را ایفا می کنند . لذا سلامت اقتصادی بانک ها و بررسی عوامل اثر گذار بر آن ها بسیار حائز اهمیت می باشد . شواهد تاریخی نشان می دهند که اصولاً بانک ها، یکی از دلایل عمده بروز بحران هاي اقتصادي به شمار می روند. معمولاً این گونه بحران ها در بخش بانکی، با ظهور مشکل در یک یا چند بانک شروع و با سرایت سریع آن به دیگر بانک ها و تحت تأثیر قرار دادن بازارهاي مالی، کل اقتصاد را نیز به سرعت متأثر می نمایند

سود آوری بانکی به عنوان عامل مهمی شناخته می شود تا بانک ها در دوره بحران همچنان به حیات خود ادامه داده و نقش ارزشمند خویش به عنوان میانجی گر مالی را حفظ نمایند. سودهای بانکی میزان حقوق صاحبان سهام را افزایش می دهد و افزایش حقوق صاحبان سهام ،احتمال ورشکستگی بانک را کاهش می دهد. ثبات بانکی به هر دو عامل شرایط کلی بازار و متغیرهای بانکی وابسته است.

در این مقاله عوامل : نوع خاص بانک، نوع خاص صنعت و متغیرهای اقتصاد کلان که به همراه سود آوری مورد ارزیابی قرار میگیرند را ارزیابی می کنیم . ما به بررسی 19 بانک کشور که صورت های مالی آن ها به صورت سالانه توسط بانک مرکزی منتشر می شود می پردازیم و از روش سر شماری برای جمع آوری داده ها استفاده می کنیم . بحران مالی از دو معیار تشکیل شده است : 1) افزایش شدید میزان معوقات بانکی و 2) نوسانات شدید نرخ ارز. به جهت تفکیک سال ها به بحران و عدم بحران به روشی برای طبقه بندی سال ها نیاز داریم. به همین منظور سال 90 تا 91 را به عنوان دوره بحران مالی در نظر گرفتیم به این خاطر که در سال 90 نسبت معوقات بانکی از 8/13 درصد در سال 89 به 1/ 15 درصد در سال 90 می رسد که نسبت به سال قبل به میزان 9.4% رشد داشته است که این میزان بی سابقه بوده است از سوی دیگر در سال 91 نرخ ارز از 13568 ریال به 26059 ریال می رسد که حدود 92% رشد داشته است. این انتخاب دوره براساس تجزیه و تحلیل قضاوتی و کیفی می باشد . ما در اینجا یک دوره زمانی 6 ساله را بررسی خواهیم کرد. تفکیک سال ها به ان صورت است 1) قبل از بحران (1388-1389) 2) بحران (1390-1391) 3) پس از بحران (1392-1393) کل سال ها را نیز مورد بررسی قرار می دهیم (1388-1393). بررسی سال های پس از بحران به ما این اجازه را می دهد تا مشخص کنیم که آیا عوامل تعیین کننده سود آوری پس از دوره بحران به الگوی قبل از بحران باز می گردد یا این که از چهارچوب جدیدی پیروی می کند؟ این مقاله اولین تلاشی است که به صورتی جامع به بررسی کلیه عوامل اثر گذار بر سود آوری بانک با تفکیک دوره ها و مقایسه آن ها با یکدیگر می پردازد .

**مبانی نظری و پیشینه پژوهش**

**فرضیه های تحقیق**

**فرضیه 1:** بحران (نوسانات شدید نرخ ارز و افزایش معوقات بانکی )بر سود آوری بانک های دولتی و غیر دولتی تاثیر دارد

**فرضیه 2 :** رابطه **بین** نرخ تورم با سود آوری بانک تحت تأثیر بحران قرار دارد.

**فرضیه 3** : رابطه بین نسبت دارایی های بانک به تولید ناخالص داخلی با سودآوری بانک تحت تأثیر بحران قرار دارد.

**فرضیه4 :** رابطه بین نسبت سرمایه گذاری در بازار سهام به دارایی های بانک با سودآوری بانک تحت تأثیر بحران قرار دارد**.**

**فرضیه5 :** رابطه بین نسبت کارایی با سودآوری بانک تحت تأثیر بحران قرار دارد.

**فرضیه6 :** رابطه بین نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی با سودآوری بانک تحت تأثیر بحران قرار دارد.

**فرضیه7 :** رابطه بین نسبت ذخیره برای زیان های اعتباری با سودآوری بانک تحت تأثیر بحران قرار دارد.

**فرضیه8 :** رابطه بین نسبت ذخیره برای زیان های اعتباری2 با سودآوری بانک تحت تأثیر بحران قرار دارد.

**فرضیه9 :** رابطه بین دارایی های غیرعملیاتی با سودآوری بانک تحت تأثیر بحران قرار دارد.

**فرضیه10 :** رابطه بین خالص هزینه ها با سودآوری بانک تحت تأثیر بحران قرار دارد.

**فرضیه11:** رابطه بین نسبت سود غیر از بهره به درآمد با سودآوری بانک تحت تأثیر بحران قرار دارد.

**فرضیه12:** رابطه بین لگاریتم طبیعی جمع دارایی ها با سودآوری بانک تحت تأثیر بحران قرار دارد.

**فرضیه13:** رابطه بین نسبت وام به دارایی با سودآوری بانک تحت تأثیر بحران قرار دارد.

**فرضیه14:** رابطه بین رشد حقوق صاحبام سهام با سودآوری بانک تحت تأثیر بحران قرار دارد.

**فرضیه15:** رابطه بین نسبت حقوق صاحبان سهام به رشد دارایی با سودآوری بانک تحت تأثیر بحران قرار دارد.

**فرضیه16:** رابطه بین رشد وام با سودآوری بانک تحت تأثیر بحران قرار دارد.

**فرضیه17:** رابطه بین نسبت هزینه به دارایی با سودآوری بانک تحت تأثیر بحران قرار دارد.

**مبانی نظری**

پیشینه تاریخی عوامل اثر گذار بر سود آوری بانک گسترده است (گرو و همکاران ، 2014) با این حال تحقیقات اندکی اثر بحران را بر این معیار های سود آوری مورد بررسی قرار داده اند . دو نمونه از روش هایی که مورد استفاده قرار گرفته اند : رویکرد متغیرهای ساختگی و مقایسه دوره های بحران و عدم بحران می باشد . روش متغیر های ساختگی نشان می دهد که روابط بین متغیر ها متاثر از بحران می باشند اما ماهیت تغییر را نشان نمی دهند .

تا کنون چهار دسته مطالعه انجام شده است که : تاثیر بحران بر روابط بین متغیر های تعیین کننده و معیار های سود آوری را بررسی می کنند و داده های تفکیک شده به دوره های بحران و فاقد بحران را با یکدیگر مقایسه می کنند . (اندریس ، کوریس و یورسو ، 2012 ؛ دیتریچ و وانزرید ، 2011 ؛ راچدی ، 2013 ؛ ون امرون ، 2011 ) . که در ادامه این تحقیقات انجام شده و نتایج آن ها به تفکیک ارائه می گردد . به این خاطر که صرفا قصد داریم نحوه تغییر روابط بین عوامل تعیین کننده و سود آوری را در شرایط بحران ارزیابی نماییم ، فلذا ، این تحقیق صرفا مطالعاتی را مورد بررسی قرار می دهد که از نمونه های چند گانه استفاده می کند . در حقیقت تمامی مطالعاتی که اثر نوع بانک ، نوع صنعت و متغیر های اقتصاد کلان را در دوره های بحران و نبود بحران بررسی می نمایند و نیز مطالعاتی که معیار استاندارد بازده دارایی ها و بازده حقوق صاحبان سهام و حاشیه سود خالص را به طور پیش فرض به عنوان معیار در نظر گرفته اند را در مورد مطالعه قرار می دهیم و تفاوت گروه ها در مورد سطح اهمیت ، معنا داری و اندازه ضرایب رگرسیون را تفسیر می کنیم .

**پیشینه پژوهش**

دلخواهی در سال 1393 به بررسی آثار شرایط اقتصادی (رونق، رکود، رکود تورمی) بر فعالیت و سودآوری بانک پاسارگاد پرداخت وی بازه زمانی سال 1386 تا 1390 را مورد مطالعه قرار داد .از مدل خطی تاثیر متغیرهای مستقل بروی متغیر وابسته که سودآوری بانک می باشد استفاده کرد. متغیرهای وابسته عبارت بودند از بازده کل دارایی ها و بازده سرمایه صاحبان سهامو متغییرهای مستقل عبارتند ازعوامل داخلی و عوامل بیرونی این نتیجه را گرفت که : تاثیر متغیر تورم و نقدینگی بر سودآوری بانک پاسارگاد به صورت تاخیری و معکوس و تاثیر متغیر تولید ناخالص داخلی بر متغیر سودآوری بانک پاسارگاد به صورت تاخیری و مستقیم می باشد .

نادعلی در سال 1389 به شناسایی زمان های وقوع شرایط بحران بانکی و تبیین عوامل موثر بر ایجاد آن ها در کشور پرداخت . برای شناسایی بحران بانکی در اقتصاد ایران از رهیافت شاخص فشار بازار پول استفاده نمود . برای محاسبه شاخص فشار بازار پول در اقتصاد ایران، از اطلاعات ماهانه متغیرهای پولی و بانکی موجود در نشریات مختلف آماری بانک مرکزی طی دوره زمانی 87-1350 استفاده کرد . پس از محاسبه شاخص فشار بازار پول برای اقتصاد ایران به شناسایی زمان های احتمالی وقوع بحران بانکی پرداخت . نتایج برآوردها نشان داد که اقتصاد ایران شرایط بحران بانکی را دارا بوده است، اما به دلیل دولتی بودن ساختار بانک ها، دولت با حمایت های مالی مانع وقوع عملی بحران در اقتصاد شده است. برآورد مدل‌های تحقیق نشان می دهد که متغیرهای تورم و مجذور آن، نرخ سود حقیقی و نسبت اعتبارات اعطایی بانک ها به بخش خصوصی نسبت به رشد ناخالص داخلی، با احتمال وقوع بحران بانکی در ایران رابطه معنی داری دارند

جان لی و همکاران در سال 2015 به بررسی تاثیر بحران مالی سال 2007 تا 2009 بر عملکرد و سود آوری 418 بانک ایالات متحده آمریکا در طی دوره زمانی 20 ساله از سال 1994 تا 2013 پرداخت . وی در تحقیق خود تاثیر 21 متغیر مستقل ( خصوصیات بانک ، خصوصیات صنعت و متغیر های اقتصاد کلان ) را بر متغیر های وابسته بازده دارایی ، بازده حقوق صاحبان سهام و حاشیه سود خالص در سه دوره قبل از بحران ، حین بحران و پس از بحران بررسی نمود و نتایج را با پژوهش های سابق مورد مقایسه قرار داد . در مطالعه وی تنها یک عامل ( نسبت کارایی ) در هر سه دوره رابطه ثابتی ( منفی و معنا دار ) را تجربه نمود . متغیر اندوخته برای زیان های اعتباری با دو معیار سود آوری بازده دارایی و بازده حقوق صاحبان سهام در هر سه دوره رابطه منفی و معنا داری داشت و با معیار سود آوری حاشیه سود خالص در دوره قبل از بحران رابطه مستقیم و معنا داری داشت . و سایر متغیر ها نیز روابط متفاوتی را مشاهده نمودند .

راچدی در سال 2013 به بررسی مجموعه ای از بانک های تونس پرداخت و یافته های وی نشان داد که : در دوره قبل از بحران نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی با بازده دارایی رابطه مثبت و معنا داری داشت اما در دوره بحران رابطه بین این دو متغیر منفی و معنا دار شد. رشد تولید ناخالص داخلی در دوره ق بل از بحران ارتباط مستقیم و معنا داری با سود آوری داشت و در دوره بحران جهت ارتباط معکوس شد . متغیر هایی که رابطه مستقیم و معنا داری با سود آوری داشتند و این ارتباط در دو دوره بحران و نبود بحران یکسان بود عبارتند از : نقدینگی ( مثبت ) ، میزان هزینه عملیاتی ( منفی ) ، رشد سپرده ها ( مثبت ) و اندازه ( منفی ) .

ون امرون در سال 2011 ، به مطالعه بانک هایی از 12 کشور اروپای غربی برای دور های قبل از بحران و حین بحران پرداخت . نتایج بررسی وی نشان داد که : نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی با سود آوری در هر دو دوره بحران و قبل از بحران رابطه معنا داری داشت با این تفاوت که میزان معنا داری در دوره بحران بیش تر بود . اندوخته برای زیان وام رابطه منفی و معنا داری در هر دو دوره با سود آوری داشت . حال آن که اثر آن در دوره بحران بیش تر بود . سود غیر از بهره و نسبت کارایی در هر دو دوره رابطه مثبت و معنا داری با سود آوری دارند . اندازه بانک در هیچ یک از دوره ها سود آوری بانک را متاثر نساخت . رشد ناخالص داخلی ، در هر دو دوره قبل از بحران و حین بحران رابطه معنا داری با سود آوری دارد .

دیتریچ و وانزرید در سال 2011 به مطالعه سود آوری بانک های سوئیس پرداختند و یافته های آن ها نشان داد که در دوره پیش از بحران بانک های کوچک تر و بزرگ تر سود آور تر از بانک هایی با ابعاد متوسط بودند ، در حالی که در حین بحران بانک های بزرگ تر سود آوری کم تری در مقایسه با بانک های متوسط و کوچک تر داشتند . در دوره قبل از بحران رابطه بین اندوخته برای زیان وام و سود آوری ، معنا دار نبود و در دوره بحران رابطه بین متغیر های یاد شده معکوس و معنا دار بود . در دوره قبل از بحران هزینه های تامین مالی رابطه معنا داری با سود آوری نداشت در حالی که در حین بحران این هزینه ها به سطوح پایین تری کاهش یافت .

**روش پژوهش**

این تحقیق یک تحقیق کاربردی است که به صورت توصیفی و کشف رابطه همبستگی مسأله را مورد بررسی قرار می دهد. این تحقیق ماهیتی کاربردی دارد ، همچنین به لحاظ نحوه گردآوری داده ها کتابخانه ای می باشد و به لحاظ روش انجام تحقیق توصیفی است . برای انجام این تحقیق جهت جمع آوری داده های تحقیق از اطلاعات کتابخانه بهره بردیم و نیز برای ایجاد پایگاه داده از نرم افزار اکسل استفاده می شود . جهت انجام آزمون فرضیه نیز از نرم افزار آر استفاده می شود.

در این جا به بررسی کلیه بانک های دولتی و غیر دولتی ایران که صورتهای مالی شان از سال 1388 موجود می باشند که شامل 19 بانک که 8 مورد دولتی و 11 مورد غیر دولتی می باشند، می پردازیم بانک های مورد بررسی عبارتند از: بانک های دولتی: ملی ایران، سپه ، توسعه صادرات ایران، صنعت و معدن،کشاورزی، مسکن، پست بانک ایران، توسعه تعاون و بانک های خصوصی: اقتصاد نوین،رفاه کارگران، پارسیان، پاسارگاد، تجارت، سامان، سرمایه، سینا، صادرات، ملت، کارآفرین

نظر به این که بحران مالی در سال 90 و 91 به طور آشکار در کشور ما با افزایش شدید معوقات بانکی و نوسان ناگهانی و رو به افزایش نرخ ارز خود را نشان داد، لذا در این پژوهش سعی شد دوره زمانی 6 ساله از سال 1388 الی 1393 و با تقسیم بندی سال ها به دوره های زمانی دو ساله تحت عناوین قبل بحران، بحران و پس از بحران تا حدودی بررسی جامعی از تقسیم بندی سال ها به دست آوریم .بدین جهت که جمع آوری اطلاعات بانک ها برای سال های قبل از 1388 در برخی از بانک ها دشوار و حتی گاهی غیر ممکن و دست نیافتنی است ، لذا به سال های بعد 88 بسنده کردیم. در بررسی پیش رو دوره زمانی 1388 تا 1393 لحاظ شده است.

**تعریف متغیر ها**

اولین متغیر مستقل ما سال مورد بررسی می باشد.

سایر متغیرهای مستقل عبارتند از: الف) ویژگی اقتصاد کلان : (تغییر در شاخص مصرف کننده) ب)ویژگی های نوع صنعت : ( نسبت سرمایه گذاری در بازار سهام به دارایی های بانک و نسبت دارایی های بانک به رشد ناخالص داخلی) ج) ویژگی های نوع بانک : { 1)نسبت کارایی 2) ذخیره مطالبات مشکوک الوصول به هزینه ها 3) ذخیره مطالبات مشکوک الوصول به مطالبات سررسید گذشته ،معوق و لاوصول 4) مطالبات سر رسید گذشته، معوق و لاوصول به کل دارایی ها 5) هزینه ها به وام ها 6) سود غیر از بهره به درآمد ها 7) لگاریتم طبیعی دارایی ها 8) وامها به دارایی ها 9)رشد حقوق صاحبان سهام 10)حقوق صاحبان سهام به رشد دارایی 11)رشد وام 12) هزینه غیر از بهره به دارایی ها }در مدل این عوامل را به عنوان متغیر مستقل در نظر می گیریم به این دلیل که به دنبال این هستیم که اثر این عوامل را کنترل کنیم.

نگاره 1 : تعریف متغیر ها

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **توضیحات** | **تعریف** | **متغیرها** |
| میانگین دارایی ها= |  | ROA (بازده دارایی) |
| (بازده حقوق صاحبان سهام) |  | ROE |
| سود بهره خالص: سود تسهیلات اعطایی |  | *NIM* (حاشیه سود خالص) |
| *GDP :* رشد ناخالص داخلی با نفت |  | *BD-GDP* |
| (نرخ تورم) | تغییر سالانه در قیمت مصرف کننده | *CPI* |
| سرمایه گذاری در بازار سهام به دارایی بانک |  | *MC-BA* |
| هزینه غیر از بهره: هزینه اداری و عمومی+ هزینه پرسنلی + هزینه استهلاک + سایر هزینه های اداری و عمومی+ جوایز و امتیازات تجهیز سپرده ها + زیان معاملات ارزی + هزینه کل بانک + سایر هزینه ها |  | *ERATIO*(نسبت کارایی) |
| حقوق صاحبان سهام به دارایی ها |  | *EA* |
| ذخیره برای زیان های اعتباری |  | *RCL* |
| ذخیره برای زیان های اعتباری 2 |  | *RCL2:* |
| دارایی های غیر عملیاتی : مطالبات سررسید گذشته ،معوق و مشکوک الوصول است. |  | *NPA* داراییهای غیر عملیاتی |
| خالص هزینه ها |  | *NCO* |
| درآمد غیر از بهره:درآمد کارمزد +نتیجه مبادلات ارزی+ سایر درآمدها هست. | درآمد بهره خالص: سود تسهیلات اعطایی می باشد. | *NIIR* (درآمد غیر از بهره به درآمد) |
| لگاریتم طبیعی دارایی ها | LN ) جمع دارایی ها) | *L-AT* |
| وام ها به دارایی ها |  | *LA* |
| رشد حقوق صاحبان سهام |  | *EG* |
| حقوق صاحبان سهام به رشد دارایی | EG- | *EAG* |
| رشد وام |  | *LG* |
| هزینه به دارایی ها |  | *CA* |

**آزمون فرضیه ها**

به منظور بررسی فرضیه های تحقیق و با توجه به ماهیت اطلاعات و داده های تحقیق که مبتنی بر اطلاعات واقعی گذشته می باشد به ارزیابی متغیر های تحقیق می پردازیم .

مدل تحقیق منطبق بر مطالعه دیتریچ و وانزرید در سال 2011 می باشد که در تحقیق خود به بررسی عوامل تعیین کننده سود آوری شامل متغیر های مختص بانک ، مختص صنعت و متغیر های اقتصاد کلان برای دو دوره بحران و نبود بحران پرداخته اند .در این پژوهش از مدل رگرسیونی پانلی پویا استفاده شده است .که فرمول رگرسیون کلی آن در زیر آمده است :

*Yt=α0+α1Yt-1+α2CPIt+α3BD-GDPt+α4MC-BAt+α5ERATIOt+α6EAt+α7 RCLt +α8 RCL2t+α9 NPAt+ α10 NCOt+α11 NIIR t+α12 L-ATt + α13 LAt + α14EGt +α15EAGt + α16 LGt + α17 CAt+εt*

Y: متغیر های وابسته شامل بازده دارایی و حقوق صاحبان سهام و حاشیه سود خالص می باشد

به جهت این که سود های بانکی به برقراری روابط سریالی گرایش دارند مدل حاضر را با یک دوره تاخیر برای متغیر وابسته به عنوان یک عامل تعیین کننده پویا نموده ایم . لازم به توضیح است که به این جهت که در انجام کارهای آماری به جای نمونه گیری از سرشماری استفاده نمودیم خطای آماری را در سطح 0.1 در نظر گرفتیم .

الف) سه مدل فوق یکبار برای تمام سال ها برازش میابد.

ب) سه مدل فوق به تفکیک متغیر برای قبل از بحران ، طی بحران ، و پس از بحران جداگانه برازش میابد و نتایج حاصل می شود.

ج) مدل پانلی با نرخ بازده دارایی ، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و حاشیه سود خالص برای متغیر وابسته و متغیرهای مستقل می باشد.

د) مدل رگرسیون خطی معمولی *OLS* برای نرخ بازده دارایی به تفکیک سه دوره تهیه می شود .

ه)مدل رگرسیون خطی معمولی *OLS* برای نرخ بازده حقوق صاحبان سهام به تفکیک سه دوره تهیه می شود .

ن) مدل رگرسیون خطی معمولی *OLS* برای حاشیه سود خالص به تفکیک سه دوره تهیه می شود .

**آمار توصیفی متغیر ها**

آمار توصیفی متغیر ها در جدول زیر به صورت خلاصه مطرح می گردد .

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **متغیر ها** | **نماد** | **تمام سال ها- 1393** | | | **قبل از بحران: 1388-1389** | | | **بحران1390- 1391** | | | **پس از بحران- 1393** | | |
| **میانگین** | **میانه** | **خطای معیار** | **میانگین** | **میانه** | **خطای معیار** | **میانگین** | **میانه** | **خطای معیار** | **میانگین** | **میانه** | **خطای معیار** |
| **متغیر های وابسته** |
| **بازده دارایی** | ***ROAt*** | 0.0132 | 0.0092 | 0.0158 | 0.0172 | 0.0128 | 0.0172 | 0.0129 | 0.0086 | 0.0153 | 0.0096 | 0.0068 | 0.0141 |
| **بازده حقوق صاحبان سهام** | ***ROEt*** |  | .0 |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| **حاشیه سود خالص** | ***NIMt*** |  | .0 |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| **متغیر های مستقل** |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| **نرخ تورم** | ***CPI*** |  | .0 |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| **نسبت دارایی های بانک به تولید ناخالص داخلی** | ***BD-GDP*** |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| **نسبت سرمایه گذاری در بازار سهام به دارایی های بانک** | ***MC-BA*** |  | .0 |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| **نسبت کارایی** | ***ERATIO*** |  | .0 |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| **نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی** | ***EA*** |  | .0 |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| **نسبت ذخیره برای زیان های اعتباری** | ***RCL*** |  | .0 |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| **نسبت ذخیره برای زیان های اعتباری2** | ***RCL2*** |  | .0 |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| **دارایی های غیرعملیاتی** | ***NPA*** |  | .0 |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| **خالص هزینه ها** | ***NCO*** |  | .0 |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| **سود غیر از بهره به درآمد** | ***NIIR*** |  | .0 |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| **لگاریتم طبیعی جمع دارایی ها** | ***L-AT*** |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| **نسبت وام به دارایی** | ***LA*** |  | .0 |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| **رشد حقوق صاحبان سهام** | ***EG*** |  | .0 |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| **نسبت حقوق صاحبان سهام به رشد دارایی** | ***EAG*** |  | .0- |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| **رشد وام** | ***LG*** |  | .0 |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| **نسبت هزینه به دارایی** | ***CA*** |  | .0 |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |

نگاره 2 : آمار توصیفی متغیر ها

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **متغیر ها** | **کل دوره ها سال های 1388-1393** | | | | | **دوره قبل بحران سال های 1388-1389** | | | | | دوره بحران سال های 1390-1391 | | | | | **دوره پس از بحران سال های 1392-1393** | | | | |
| **ضرایب** | **خطای معیار** | **آماره *t*** | **p- مقدار** | **نتیجه** | **ضرایب** | **خطای معیار** | **آماره *t*** | **p- مقدار** | **نتیجه** | **ضرایب** | **خطای معیار** | **آماره *t*** | **p- مقدار** | **نتیجه** | **ضرایب** | **خطای معیار** | **آماره *t*** | **p- مقدار** | **نتیجه** |
| ***Intercept*** |  |  |  |  | \*\* |  |  |  |  |  |  |  |  |  | . |  |  |  |  |  |
| ***ROAt-1*** |  |  |  | < | \*\*\* |  |  |  | < | \*\*\* |  |  |  |  | \* |  |  |  |  | \* |
| ***CPI*** |  |  |  |  |  | < |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***BD-GDP*** |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***MC-BA*** |  |  |  | < | \*\*\* |  |  |  |  |  |  |  |  |  | . |  |  |  |  |  |
| ***ERATIO*** |  |  |  | < | \*\*\* |  |  |  |  | \* |  |  |  | < | \*\*\* |  |  |  |  | \*\* |
| ***EA*** |  |  | **** |  |  |  |  |  |  | \* |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***RCL*** |  |  |  |  | \*\* |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***RCL2*** |  |  |  |  | \*\* |  |  |  |  |  |  |  |  |  | . |  |  |  |  |  |
| ***NPA*** |  |  |  |  | \*\* |  |  |  |  |  |  |  |  |  | \*\* |  |  |  |  |  |
| ***NCO*** |  |  |  | < | \*\*\* |  |  |  |  |  |  |  |  |  | \*\* |  |  |  |  | \* |
| ***NIIR*** |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | . |  |  |  |  |  |
| ***L-AT*** |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***LA*** |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | . |  |  |  |  |  |
| ***EG*** |  |  |  |  | \* | < |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***EAG*** |  |  |  |  | . |  | < |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***LG*** |  |  |  |  | \*\* |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***CA*** |  |  |  | < | \*\*\* |  |  | **** |  |  |  |  |  |  | \*\* |  |  |  |  | . |

نگاره 3: نتایج حاصل از برازش مدل برای متغیر وابسته *ROA* به تفکیک دوره ها

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **متغیر ها** | **کل دوره ها سال های 1388-1393** | | | | | **دوره قبل بحران سال های 1388-1389** | | | | | دوره بحران سال های 1390-1391 | | | | | **دوره پس از بحران سال های 1392-1393** | | | | |
| **ضرایب** | **خطای معیار** | **آماره *t*** | **p- مقدار** | **نتیجه** | **ضرایب** | **خطای معیار** | **آماره *t*** | **p- مقدار** | **نتیجه** | **ضرایب** | **خطای معیار** | **آماره *t*** | **p- مقدار** | **نتیجه** | **ضرایب** | **خطای معیار** | **آماره *t*** | **p- مقدار** | **نتیجه** |
| ***(Intercept)*** |  |  |  | < | \*\*\* | 0.748 |  |  |  | \* |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***ROEt-1*** |  |  |  | < | \*\*\* |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | \* |
| ***CPI*** |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | < |  |  |  |  |
| ***BD-GDP*** |  |  |  |  | . |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***MC-BA*** |  |  |  | < | \*\*\* |  |  |  |  | \* |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***ERATIO*** |  |  |  | < | \*\*\* |  |  |  | < | \*\*\* |  |  |  | < | \*\*\* |  |  |  |  | \* |
| ***EA*** |  |  |  | < | \*\*\* | **** |  |  |  | \*\* |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***RCL*** |  |  |  |  | \*\* |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***RCL2*** |  |  |  |  | \*\* |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***NPA*** |  |  |  |  | \* |  |  |  |  |  |  |  | **** |  |  |  |  |  |  |  |
| ***NCO*** |  |  |  | < | \*\*\* |  |  |  |  |  |  |  |  | < | \*\*\* |  |  |  |  |  |
| ***NIIR*** |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***L-AT*** |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***LA*** |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | \* |  |  |  |  |  |
| ***EG*** |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***EAG*** |  |  |  |  | . |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***LG*** |  |  |  | < | \*\*\* |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***CA*** |  |  |  | < | \*\*\* |  |  |  |  |  |  |  |  | < | \*\*\* |  |  |  |  | . |

نگاره 4: نتایج حاصل از برازش مدل برای متغیر وابسته ROE به تفکیک دوره ها

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **متغیر ها** | **کل دوره ها سال های 1388-1393** | | | | | **دوره قبل بحران سال های 1388-1389** | | | | | دوره بحران سال های 1390-1391 | | | | | **دوره پس از بحران سال های 1392-1393** | | | | |
| **ضرایب** | **خطای معیار** | **آماره *t*** | **p- مقدار** | **نتیجه** | **ضرایب** | **خطای معیار** | **آماره *t*** | **p- مقدار** | **نتیجه** | **ضرایب** | **خطای معیار** | **آماره *t*** | **p- مقدار** | **نتیجه** | **ضرایب** | **خطای معیار** | **آماره *t*** | **p- مقدار** | **نتیجه** |
| ***NIMt-1*** |  |  |  |  | \* |  |  |  |  | . |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***CPI*** |  |  |  |  | \*\* |  |  |  | < | \*\*\* |  |  |  |  | \* |  |  |  | < | \*\*\* |
| ***BD-GDP*** |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | . |  |  |  |  |  |
| ***MC-BA*** |  |  |  |  | \*\* |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***ERATIO*** |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | \*\* |  |  |  |  |  |
| ***EA*** |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | \* |  |  |  |  |  |
| ***RCL*** |  |  |  |  | \* |  |  |  |  |  |  |  |  |  | \*\* |  |  |  |  |  |
| ***RCL2*** |  |  |  |  | . |  |  |  |  | \* |  |  |  |  | . |  |  |  |  |  |
| ***NPA*** |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | . |  |  |  |  |  |
| ***NCO*** |  |  |  |  | \* |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***NIIR*** |  |  |  | < | \*\*\* |  |  |  |  |  |  |  |  |  | \* |  |  |  |  | . |
| ***L-AT*** |  |  |  |  | \*\* |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***LA*** |  |  |  |  | \* |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***EG*** |  |  |  | < | \*\*\* |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***EAG*** |  |  |  | < | \*\*\* |  |  |  |  | \*\* |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***LG*** |  |  |  |  |  |  |  |  | < | \*\*\* |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ***CA*** |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  | \* |  |  |  |  |  |
| ***NIMt-1*** |  |  |  |  | \* |  |  |  |  |  |  |  |  |  | \* |  |  |  |  |  |

نگاره 5: نتایج حاصل از برازش مدل برای متغیر وابسته NIM به تفکیک دوره ها

با توجه به نتایج به دست آمده از جداول فرضیه اول تحقیق برای هر سه متغیر وابسته بازده دارایی ، بازده حقوق صاحبان سهام و حاشیه سود خالص تایید می شود . همچنین با توجه به دقت در جداول شاهد تاثیر بیش تر بحران بر متغیر وابسته حاشیه سود خالص می باشیم .به بیانی ساده تر بحران بر سود حاصل از تسهیلات پرداختی بیش تر از سود حاصل از تغییرات رخ داده بر روی دارایی های بانک و سود حاصل از بازده حقوق صاحبان سهام اثر گذار است .

با توجه به نتایج به دست آمده فرضیه دوم پژوهش برای متغیرهای وابسته بازده حقوق صاحبان سهام و بازده دارایی رد می گردد و برای متغیر وابسته حاشیه سود خالص تایید می گردد. در حاشیه سود خالص تنها در دوره بحران ؛ در سطح خطای 10 درصد بین متغیر مستقل تورم و وابسته حاشیه سود خالص رابطه معناداری برقرار می باشد.

با توجه به نتایج به دست آمده از جداول فرضیه سوم تحقیق برای هر سه متغیر وابسته بازده حقوق صاحبان سهام و بازده دارایی و حاشیه سود خالص رد می شود چرا که در مورد هیچ یک از متغیر های مذکور نتوانستیم رابطه معنا دار و روند مشخصی را مشاهده کنیم . یعنی رابطه بین نسبت دارایی های بانک به تولید ناخالص داخلی با سودآوری بانک تحت تأثیر بحران نیست.

فرضیه چهارم تحقیق از بابت متغیر وابسته بازده دارایی تایید می شود چرا که تنها در دوره بحران ارتباطی معنا دار در سطح خطای 10 درصد مشاهده نمودیم و از سوی دیگر شاهد تغییر علامت متغیر ها نیز در این دوره نسبت به دوره قبل و بعد از دوره یاد شده می باشیم. فرضیه چهارم از حیث متغیر وابسته بازده حقوق صاحبان سهام نیز تایید می شود ، به این خاطر که در حین بحران ضریب به شدت کاهش پیدا کرده و در دوران پس از بحران ضریب رو به فزونی است که این خود نیز تاثیر بحران را محرز تر می نماید . برای متغیر وابسته حاشیه سود خالص نیز همانند دو متغیر پیش تر ذکر شده تایید می شود چرا که همان طور که از بررسی داده ها مشخص می باشد تنها در دوره بحران شاهد وجود رابطه ای معنا دار در بین متغیر ها بودیم .

**فرضیه پنجم تحقیق** در رابطه با هر سه متغیر وابسته بازده دارایی ، بازده حقوق صاحبان سهام و حاشیه سود خالص فرضیه مورد بررسی تایید می شود یعنی با تغییر در نسبت هزینه غیر از بهره به درآمد شاهد تغییر در میزان سود حاصل از دارایی ها ، سود حاصل از حقوق صاحبان سهام و همچنین سود حاصل از تسهیلات اعطایی به مشتریان در دوران بحران می باشیم . که این تاثیر از حیث سود حاصل از مشتریان بانک مشهود تر می باشد .

برای فرضیه ششم این طور می توان گفت که برای هر سه متغیر وابسته بازده دارایی و بازده حقوق صاحبان سهام و حاشیه سود خالص وجود تاثیر بحران را شاهد بودیم برای متغیر وابسته حاشیه سود خالص مشاهده کردیم که تنها در دوره بحران در سطح خطای 10 درصد بین متغیر ها رابطه معکوس و معنا دار وجود داشت لذا وجود تاثیر بحران از بابت این متغیر محرز است . در واقع بحران نسبت حقوق صاحبان سهام به دارایی های بانک را نیز دستخوش تغییر می کند.

**در فرضیه هفتم** همان طور که مشخص است برای متغیر وابسته بازده حقوق صاحبان سهام و بازده دارایی در حالت کلی ارتباط معنا داری بین متغیر ها برقرار نبود و برای هیچ یک از متغیر ها شاهد تاثیر بحران و بازگشت شرایط پس از دوره بحران به پیش از آن نبودیم . پس فرضیه هفتم تحقیق از بابت دو متغیر های وابسته یاد شده رد شد . یعنی نسبت ذخیره مطالبات مشکوک الوصول به جمع هزینه ها از حیث ارتباطی که می تواند با بازده دارایی بازده حقوق صاحبان سهام داشته باشد ، متاثر از بحران پیش آمده نمی باشد . اما بررسی های ما وجود تاثیر بحران برای حاشیه سود خالص را تایید می کند .

در فرضیه هشتم همان طور که مشاهده می شود رابطه بین متغیر مستقل نسبت ذخیره برای زیان های اعتباری2 با سودآوری بانک از حیث دو متغیر وابسته بازده دارایی و حاشیه سود خالص تایید می شود چرا که تنها در دوره بحران در سطح خطای 10 درصد بین متغیر های مذکور رابطه معنا دار وجود داشت و در دو دوره قبل و بعد از بحران ارتباط بین متغیر های یاد شده از بین رفت که خود دلیلی بر وجود بحران مالی است . اما برای متغیر وابسته بازده حقوق صاحبان سهام فرضیه فوق رد می شود زیرا رابطه معنا دار و سیر مشخصی در نتایج آماره ها وجود نداشت.

فرضیه نهم برای متغیر وابسته بازده دارایی تایید می شود چرا که تنها در دوره بحران بین متغیر های دارایی های غیر عملیاتی و بازده دارایی رابطه معنا دار وجود داشت در نتیجه وجود تاثیر بحران کاملا مشخص می باشد . برای دو متغیر وابسته بازده حقوق صاحبان سهام و حاشیه سود خالص هیچ گونه ارتباطی بین متغیر ها وجود نداشت لذا از حیث این دو متغیر تاثیری از بحران بر روی متغیر ها مشاهده نشد.

فرضیه دهم برای هر سه متغیر وابسته بازده دارایی و حقوق صاحبان سهام و نیز حاشیه سود خالص تایید می شود به این معنی که با افزایش میزان هزینه ها نسبت به تسهیلات اعطایی سود بانک ها به سمت روند نزولی پیش می رود . در واقع همان گونه که انتظار داریم هزینه ها رابطه معکوس با سود آوری دارند .

**در خصوص فرضیه یازدهم** می توان نتیجه گرفت که رابطه بین متغیر وابسته بازده دارایی و نسبت در آمد غیر از بهره به مجموع درآمد تحت تاثیر بحران می باشد زیرا تنها در دوره بحران بین متغیر های یاد شده در سطح خطای 10 درصد نظاره گر رابطه معنادار بودیم. از بابت دو متغیر وابسته بازده حقوق صاحبان سهام و حاشیه سود خالص فرضیه یازدهم رد می شود زیرا هیچ گونه رابطه معنا داری بین متغیر های مذکور را در هیچ دوره ای شاهد نبودیم .

در مورد هر سه متغیر وابسته بازده دارایی ، بازده حقوق صاحبان سهام و حاشیه سود خالص در هیچ یک از دوره ها رابطه معنا داری بین متغیر مستقل لگاریتم طبیعی جمع دارایی ها و متغیر های وابسته بیان شده وجود ندارد در نتیجه فرضیه دوازدهم تحقیق برای هر سه متغیر وابسته مذکور رد شد .

برای متغیر وابسته بازده دارایی تنها در دوره بحران در سطح خطای 10 درصد بین متغیر مستقل نسبت وام به دارایی و بازده دارایی رابطه معنا دار وجود دارد در نتیجه فرضیه سیزدهم از بابت نرخ بازده دارایی تایید و وجود تاثیر بحران آشکار می گردد. در مورد متغیر وابسته بازده حقوق صاحبان سهام در دوره بحران ین متغیر ها رابطه ای معنا دار وجود داشت و در سایر دوره ها فاقد وجود هر نوع رابطه ای بود فلذا وجود تاثیر بحران از حیث متغیر وابسته بازده حقوق صاحبان سهام محرز می باشد . در مورد متغیر وابسته حاشیه سود خالص هیچ گونه رابطه و روند مشخصی را در بین متغیر ها شاهد نبودیم در نتیجه این فرضیه تنها برای متغیر وابسته حاشیه سود خالص رد و برای دو متغیر دیگر تایید می شود .

فرضیه **چهاردهم و پانزدهم** برای دو متغیر وابسته بازده دارایی ، بازده حقوق صاحبان سهام رد می شود زیرا هیچ گونه رابطه معنا داری در بین دوره ها وجود نداشت و سیر مشخصی را در بین متغیر های رشد حقوق صاحبان سهام و دو متغیر وابسته فوق الذکر نظاره گر نبودیم. اما در خصوص متغیر وابسته حاشیه سود خالص فرضیه مذکور تایید می شود .

فرضیه شانزدهم برای هر دو متغیر وابسته بازده دارایی و بازده حقوق صاحبان سهام رد می شود زیرا در هیچ یک از دوره های بحران و قبل و پس از بحران رابطه معنا داری بین متغیر رشد وام و متغیر های وابسته مذکور وجود نداشته علاوه بر این روند جهت داری نیز در دوره ها وجود نداشت . اما در متغیر وابسته حاشیه سود خالص تنها در دوره بحران در سطح خطای 10 درصد بین متغیر مستقل رشد وام و حاشیه سود خالص رابطه ای معنا دار وجود داشت در نتیجه آشکارا وجود تاثیر بحران را می توان مشاهده نمود .

**در فرضیه هفدهم** برای متغیرهای وابسته بازده دارایی و بازده حقوق صاحبان سهام و حاشیه سود خالص در دوره بحران رابطه معنا داری در سطح خطای10درصد در بین متغیر های مستقل و وابسته ذکر شده مشاهده نمودیم که این معناداری پس از دوره بحران کاهش می یابد و به سمت عدم معنا داری ( که این عدم معنا داری در دوره قبل از بحران نیز وجود داشت) پیش می رود در نتیجه تاثیر بحران از بابت هر سه متغیر بر روی رابطه بینمتغیر ها تایید می شود . پس فرضیه هفدهم برای هر سه متغیر وابسته بازده دارایی، بازده حقوق صاحبان سهام و حاشیه سود خالص تایید می گردد .

**بحث و نتیجه گیری**

در آمار توصیفی ما شاهد ، کاهش سود آوری بانکی و نیز کاهش فعالیت های وام دهی درست در دوره بحران و پس از آن بودیم . این رویداد در راستای شواهدی است که رکود ناشی از بحران مالی را شدید تر از رکود ناشی از نوسانات کوتاه مدت چرخه تجاری می داند . ( سرا و ساکسنا ، 2008 و تیلینگ و زوبانو ، 2014 ) . در واقع بانک ها به بحران با افزایش سرمایه و سطح نقدینگی خود پاسخ می دهند . در حقیقت ، افزایش سرمایه و نقدینگی بانک ها را قادر به جذب و بهبود زیان های آتی می سازد . بانک ها رشد وام را در دوره پس از بحران کاهش دادند . این رخداد با گزارش هایی از هزینه های بیش تر از زیان های بالاتر ی از سرمایه های بیرونی و محدودیت های اعتباری از وام گیرندگان در حین بحران همراست . ( کامپلو و همکاران ، 2010 ) . این یافته ها حاکی از انتقال هزینه ها به مشتریان در در دوران بحران و پس از بحران می باشد . این مطلب با مشکلات وام می تواند مرتبط باشد که قرض دهندگان در حین بحران با آن رو به شده اند و در حقیقت رفتاری عادی از سوی بانک می باشد که برای بهبود شرایط اقتصادی مفید نیست . افزایش درآمد غیر از بهره نشان می دهد که بانک ها به بحران با کاهش معیار تجاری خود (که می گوید محافظه کار و سنتی باشید ) پاسخ نداده اند ( لولین ، 2013 ) . این بر خلاف یافته هایی می باشد که نشان می دهد سود غیر از بهره ( نماینده ای برای فعالیت های غیر سنتی ) تنها در دوره بحران رابطه معکوسی با سود آوری دارد . در این تحقیق هیچ گونه ارتباطی بین اندازه بانک ( لگاریتم دارایی ) و سود آوری در هیچ یک از دوره های مذکور مشاهده نکردیم . که این موضوع بر خلاف نتایج تحقیقات پیشین است که ادعا می کنند روابط بین عوامل تعیین کننده سود آوری بر اساس معیار های سود آوری به کار رفته و شرایط اقتصادی دوره مورد مطالعه تعدیل می شود . این طور گفته می شود که روابط بین سود آوری با عوامل تعیین کننده بر اساس سطح در آمد کشور مورد مطالعه متفاوت می باشد .( دیتریچ و وانزرید، 2014 ) . درک فعل و انفعال پیچیده بین عوامل مرتبط با سود آوری بانک در آینده نیز محققان دانشگاهی و مدیران بانک ها و قانون گذاران را به چالش خواهد کشید .

**منابع و مآخذ**

1. پور محمدی « مطالبات معوق بانک ها » روزنامه سرمایه ، 1386 ، شماره 535 ، 30/05/1386 : 3-4
2. دلخواهی ، شهرزاد ، (1393) « بررسی آثارشرایط اقتصادی (رونق، رکود، رکود تورمی) بر فعالیت و سودآوری بانک پاسارگاد طی سال های 1390- 1386 » پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه پیام نور استان البرز
3. سایت رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، [www.cbi.ir](http://www.cbi.ir)https://
4. علی دوست ، حمیده (1394) بررسی بحران مالی بر نوع رابطه برخی متغیر های انتخابی با سود آوری بانکهای دولتی و خصوصی **،** پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد
5. مرکز آموزش و برنامه ریزی دیوان محاسبات کشور ، نرخ ارز
6. مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران ( با همکاری محمد امیدی نژاد ) ، « گزارش عملکرد بانک های کشور در سال 1393 » ، بیست و ششمین همایش بانکداری اسلامی مؤسسه آموزش عالی بانکداری ایران ، 1394.
7. ناد علی ، محمد ،(1389) « شناسایی بحران بانکی در اقتصاد ایران و تبیین نقش عوامل مؤثر در ایجاد آن ها » رساله دکتری ، دانشگاه علامه طباطبایی
8. نمود گر های اقتصادی بانک مر کزی شماره 59-79 ص 1 و 21
9. Andries, A. M., Coris, V., & Ursu, S. G. (2012). Determinants of bank performance in CEE countries. Review of Economic and Business Studies, 10, 165-177.
10. Campello, M., Graham, J. R., & Harvey, C. R. (2010). The real effects of financial constraints: Evidence from a financial crisis. Journal of Financial Economics, 97(3), 470-487. 204 JOHN Y. LEE ET AL.
11. DeYoung, R., & Rice, T. (2004). Noninterest income and financial performance at US commercial
12. banks. Financial Review, 39(1), 101-127.
13. DeYoung, R., & Torna, G. (2013). Nontraditional banking activities and bank failures during the financial crisis. Journal of Financial Intermediation, 22(3), 397-421.
14. Dietrich, A., & Wanzenried, G. (2011). Determinants of bank profitability before and during the crisis: Evidence from Switzerland. Journal of International Financial Markets, Institutions and Money, 21, 307-327.
15. Dietrich, A., & Wanzenried, G. (2014). The determinants of commercial banking profitability in low-, middle-, and high-income countries. The Quarterly Review of Economics and Finance, 54, 337-354.
16. Dietrich, A., Wanzenried, G., & Cole, R. A. (2010). Why are net-interest margins across countries so different? Available at papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract-id=1542067
17. Growe, G., DeBruine, M., Lee, J. Y., & Maldonado, J. F. T. (2014). The profitability and performance measurement of U.S. regional banks using the predictive focus of the “fundamental analysis research.” Advances in Management Accounting, 24, 191-239.
18. Lee, J.Y., & Growe, G. (2015) . Measuring the impact of the 2007-2009 financial crisis on the performance and profitability of U.S. regional banks . Advances in Management Accounting , 25, 181- 206
19. Rachdi, H. (2013). What determines the profitability of banks during and before the international financial crisis? Evidence from Tunisia. International Journal of Economics, Finance and Management, 2, 330-337.
20. Van Ommeren, S. (2011). An examination of the determinants of banks’ profitability in the European banking sector. Unpublished master’s thesis, Erasmus University, Rotterdam.